

عنوان مقاله: تحلیل نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران: بررسی موانع و آرایه مدلی برای آن

حمیدرضا ملک‌محمدی^۱ - یحیی کمالی^۲

دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۸

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

توسعه پایدار برای پاسخ به معضلات اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی دنیای امروز از سوی دانشمندان مطرح و به طور گسترده توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، شرکت‌های تجاری و سازمان‌های غیردولتی مورد پذیرش قرار گرفته است. پژوهش حاضر به دنبال تحلیل موانع نهادینه شدن سیاست‌گذاری توسعه پایدار و آرایه مدلی برای نهادینه‌سازی آن در ایران است. در این پژوهش، نظریه مبتنایی به‌عنوان راهبرد پژوهش و روش مصاحبه و استفاده از اسناد و مدارک برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. مصاحبه به صورت نیمه‌سازماندهی شده با متخصصان دانشگاهی انجام شد و روش نمونه‌گیری آن، نمونه‌گیری نظری بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی‌آی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل شناختی، نهادی-قانونی، سیاستی و اجتماعی، مانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران است. در نتیجه نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران نیازمند کاربست مدلی است که مبتنی بر این موانع و با استفاده از اسناد بین‌المللی باشد تا با استفاده از تجربه سایر کشورها و نظریات متخصصان داخلی، اقدامات و تغییراتی را در هر زمینه پیشنهاد دهد.

۱. دانشیار علوم سیاسی،
دانشکده حقوق دانشگاه
تهران

malekgl@yahoo.com

۲. استادیار علوم سیاسی،
دانشگاه شهید باهنر
کرمان (نویسنده مسئول)
yahyakamali@ut.ac.ir

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، نهادینه‌سازی، سیاست‌گذاری، پایداری،

مدل.

تحلیل نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران: بررسی موانع و آرایه مدلی برای آن

مقدمه

مطرح شدن توسعه‌پایدار در سال‌های اخیر به ویژه بعد از گزارش «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ از سوی کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه نشان از وخامت اوضاع محیط‌زیستی جهان دارد. دنیای امروز تحت فشارهای متعدد اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی قرار گرفته است. در سه دهه اخیر نشانه‌هایی از پدید آمدن توسعه‌پایدار برای پاسخ به فشارها به چشم می‌خورد. توسعه‌پایدار به ایده و هدف اصلی تلاش‌ها و اقدام‌های هیات‌های مختلف بین‌المللی برای دستیابی به هماهنگی و حل و فصل مؤثرتر مشکلات توسعه و مسایل محیط‌زیستی تبدیل شده است. اگرچه سابقه این ایده به کمیسیون محیط‌زیست و توسعه برمی‌گردد، اما گزارش «آینده مشترک ما» به این مفهوم اعتبار ویژه‌ای بخشیده و از آن پس مسایل توسعه و محیط‌زیست در کانون توجه دستور کار سازمان ملل قرار گرفته است (Lafferty, 1999). کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و توسعه‌پایدار تشکیل شده است. «کنفرانس محیط‌زیست استکهلم» در سال ۱۹۷۲، «کمیسیون براتلند» در سال ۱۹۸۷، «کنفرانس زمین» در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲، «اجلاس جهانی توسعه‌پایدار ژوهانسبورگ» در سال ۲۰۰۲ و کنفرانس ریو ۲۰+ در سال ۲۰۱۲ از مهمترین آنها محسوب می‌شوند. اسناد و گزارش‌های حاصل از این کنفرانس‌ها از جمله گزارش «آینده مشترک ما»، «دستور کار ۲۱»، «برنامه اجرایی ژوهانسبورگ»، «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» رهنمودهای عملی را برای تحقق توسعه‌پایدار آرایه کرده‌اند.

توسعه‌پایدار یک چشم‌انداز جدید و با اهمیت در سیاست‌گذاری عمومی است که سعی دارد تا به طور روشن‌تر نتایج رفتارهای فعلی را مورد توجه قرار دهد. نشانه‌های ناپایداری را در این خصوص در بسیاری از حوزه‌ها می‌توان مشاهده کرد. توسعه‌پایدار فرصتی را برای ادغام اصولی مانند برابری بین نسلی، حفاظت محیط‌زیستی و کارآیی اقتصادی که پیش از این مغایر و متضاد در نظر گرفته می‌شدند، فراهم می‌کند (Bartle & Leuenberger, 2006). پارادایم توسعه‌پایدار تحول قابل توجهی را در سیاست‌گذاری کشورهای مختلف به‌وجود آورده و مقبولیت آن بخش دولتی رشد قابل

ملاحظه‌ای داشته است. «توسعه‌پایدار به‌عنوان یک اصل و هدف عمومی پذیرفته شده و حوزه گسترده‌ای را برای فعالیت سیاست‌گذاران ایجاد کرده است. به همین دلیل بدعت‌های جدید قانونی در حوزه سیاست‌ها، فناوری، دستاوردهای علمی و آموزشی را می‌توان شاهد بود و در حال حاضر مفهوم توسعه‌پایدار فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی را در سطوح مختلف تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با این مفهوم هماهنگ شده‌اند و آن را در همکاری‌ها و فعالیت‌های‌شان وارد کرده‌اند» (عبادی و مجنونیان، ۱۳۸۸).

با توجه به ضرورت‌های شکل‌گیری توسعه‌پایدار و تحولات مرتبط با آن در کشورهای مختلف، در پژوهش حاضر این پرسش مطرح است که با توجه به شکل‌گیری پارادایم توسعه‌پایدار که تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی و در کشورهای مختلف داشته است، کشور ایران برای نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار باید چه مدلی را با چه ویژگی‌هایی دنبال کند؟ سؤال پژوهش معطوف به چگونگی نهاده‌سازی توسعه‌پایدار در نظام سیاست‌گذاری ایران است. از این رو ابتدا باید موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران شناسایی شوند و مبتنی بر این موانع، مدلی جامع برای نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران پیشنهاد شود.

مبانی نظری پژوهش

تبیین مفهوم توسعه‌پایدار و ابعاد نهاده‌شدن سیاست‌گذاری آن

واژه «پایدار» معادل *sustenere* و به معنای حفظ و نگاه داشتن است. بر اساس لغت‌نامه وبستر^۱، *sustain* به معنای حفظ کردن، پشتیبانی کردن یا تسکین دادن است. در لغت‌نامه دهخدا نیز «پایداری» به معنای بادوام و ماندنی ذکر شده است (زاهدی، ۱۳۸۶). پایدار بودن یعنی «تدبیر در حداکثر کردن ارزشی که شخص می‌تواند طی یک هفته مصرف کند و انتظار دارد در انتهای هفته نیز مانند آغاز هفته تأمین باشد» (Hicks, 1964). به این ترتیب توسعه‌پایدار را می‌توان توسعه با حساسیت نسبت به منابع تعریف کرد. در تعریف کمیسیون براتلند درباره توسعه‌پایدار آمده است: «توسعه‌پایدار، توسعه‌ای است که به نیازهای نسل کنونی پاسخ دهد، بدون آنکه توانایی نسل آینده را در تأمین نیازهای‌شان در مضیقه قرار دهد». علاوه بر این «توسعه‌پایدار فرآیند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه فناوری و تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد» (عباسپور، ۱۳۸۶). پایداری سه مشخصه اصلی دارد: ۱) پایداری

1. Webster

منابع که از بهره‌وری جمعیت و اکوسیستم‌ها حاصل می‌شود؛ ۲) فراوانی پایدار و تنوع زیستی گونه‌ها نسبت به بهره‌برداری و مداخلات انسان؛ و ۳) توسعه اقتصادی پایدار بدون تخریب منابع موجود (Gatto, 1995).

بر اساس بیانیه کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه، توسعه پایدار شش هدف اصلی دارد: ۱) رواج مجدد رشد اقتصادی؛ ۲) تغییر کیفیت رشد؛ ۳) پاسخگویی به نیازهای اساسی یعنی نیاز به شغل، غذا، انرژی، آب و بهداشت؛ ۴) حفظ و افزایش منابع؛ ۵) جهت‌دهی مجدد فناوری و مدیریت ریسک؛ و ۶) تلفیق تصمیم‌گیری اقتصادی و محیط‌زیستی (WCED, 1987).

مفروضه‌های اصلی توسعه پایدار نیز عبارتند از:

۱. یکپارچگی اقتصادی - محیط‌زیستی: تصمیم‌های اقتصادی باید با توجه به آثاری که بر محیط‌زیست می‌گذارند، اتخاذ شوند؛

۲. تعهد بین نسلی: تصمیم‌های و سیاست‌های فعلی باید با توجه به نتایجی که بر محیط‌زیست نسل‌های آینده دارند، اتخاذ شوند؛

۳. عدالت اجتماعی: کلیه مردم دارای حق برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط، شکوفا شوند؛

۴. حفاظت محیط‌زیستی: محافظت از منابع و حمایت از دنیای جانوری و گیاهی ضرورت دارد؛

۵. کیفیت زندگی: تعریف گسترده‌تری از رفاه بشری ارائه می‌کند، به نحوی که از محدوده رفاه اقتصادی فراتر می‌رود؛

۶. مشارکت: نهادها باید دوباره ساماندهی شوند، به نحوی که از طریق آنها امکان شنیدن کلیه صداها در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم گردد (Jacobs, 1995). «جوزف استیگلتز» در توضیح پارادایم جدید توسعه و لزوم برقراری تعادل بین ابعاد مختلف توسعه معتقد است که «اگر قرار است سرمایه‌داری جهانی از لحاظ دموکراتیک کامل و از نظر اقتصادی پایدار باشد، رویکردی کل‌نگر به توسعه مورد نیاز خواهد بود. چنین رویکردی باید در برگیرنده ابعاد اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی به صورت همزمان باشد» (مدنی، ۱۳۸۴). این رویکرد چندجانبه و کل‌نگر موجب شده تا تعادل بین سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در این روند محسوب شود و توسعه پایدار علاوه بر رشد اقتصادی و کارایی آن، متوجه تحقق اهداف اجتماعی، کاهش فقر و پایداری محیط‌زیست گردد.

نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه پایدار

نهادینه‌شدن عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایطی در جامعه که موجب ثبات،

پایداری، استمرار و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود (سلطانی‌تیرانی، ۱۳۷۸). طبق تعریف «بروس کوئن»^۱ «نهادینه‌شدن فرآیند منظمی از هنجارها، پایگاه‌ها و نقش‌های به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است. از طریق نهادینه‌شدن رفتارهای خودانگیزخته و پیش‌بینی‌ناپذیر، جای خود را به رفتار نظام‌یافته و پیش‌بینی‌پذیر می‌دهد» (کوئن، ۱۳۸۸). Scott (2001) نهادینه‌شدن را فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایطی می‌داند که موجب ثبات، پایداری و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب می‌شود. در بین دانشمندان علوم سیاسی یک تعریف رایج از نهادینه‌شدن توسط «هانتینگتون» ارایه شده است. طبق تعریف او «نهادینه‌شدن فرآیندی است که در آن سازمان‌ها، اعتبار، ارزش و ثبات را حاصل می‌کنند» (Huntington, 1969). Hill (1974) نیز نهادینه‌شدن را به‌عنوان فرآیندی می‌داند که سازمان‌ها با بازیگران محیط خود روابط متقابل ایجاد می‌کنند. این دو تعریف برای بحث نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار کاربرد دارد.

نهادینه‌سازی توسعه‌پایدار از اجلاس جهانی توسعه‌پایدار در سال ۲۰۰۲ تا اجلاس ریو ۲۰۰۳، یکی از مهمترین دستورکارهای بین‌المللی در زمینه توسعه‌پایدار بوده است. «فصل پنجم برنامه اجرایی اجلاس جهانی توسعه‌پایدار به ارایه پیشنهادهایی در زمینه چارچوب‌های نهادی و قانونی مورد نیاز برای توسعه‌پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد. موارد ۱۷۰-۱۳۷ این برنامه نیز اقداماتی را برای تقویت تنظیمات نهادی مرتبط با توسعه‌پایدار در همه سطوح پیشنهاد می‌کند که بر مبنای دستور کار ۲۱ شکل گرفته است و با توجه به کنفرانس محیط‌زیست و توسعه‌پایدار سازمان ملل دستیابی به برخی اهداف را دنبال می‌کند» (WSSD, 2002).

پس از اجلاس زمین، کشورهای مختلف در ایجاد چارچوب نهادی و قانونی مناسب برای تحقق اصول توسعه‌پایدار پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند که شامل تدوین راهبردهای ملی توسعه‌پایدار با هدف ادغام اولویت‌های محیط‌زیستی، اقتصادی، اجتماعی و تصویب و اجرای توافقات بین‌المللی است. تنوع قابل توجهی در این راهبردها وجود دارد که منعکس‌کننده تفاوت‌های قابل توجه اولویت‌های ملی و شرایط کشورهاست (UNCSD, 1995). اجلاس ریو ۲۰۰۳ نیز نهادینه‌سازی توسعه‌پایدار را در کنار اقتصاد سبز و کاهش فقر به‌عنوان یکی از اولویت‌های جهانی در ده سال آینده معرفی کرده و از دولت‌ها می‌خواهد اقدامات مطرح شده در دستور کار ۲۱ را با جدیت بیشتر پیگیری نمایند (UN, 2012). در سایه توجه به اسناد و گزارش‌های بین‌المللی، کشورهای مختلف با ایجاد سازمان‌ها و مؤسسه‌های ویژه توسعه‌پایدار و با بهره‌گیری از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پایدار را آغاز کرده‌اند و ضمن توجه به روندهای بین‌المللی، این روندها

1. Bruce J. Cohen

و روش‌ها را با شرایط کشور خود سازگار و بومی نموده‌اند. با توجه به ضرورت‌های شکل‌گیری توسعه‌پایدار و تحولات مرتبط با آن در سطح بین‌المللی در کشورهای مختلف، پژوهش حاضر با هدف ارایه مدلی برای نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران انجام شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از بین روش‌های پژوهش کیفی، نظریه مبنایی را به‌عنوان راهبرد پژوهشی مورد استفاده قرار داد. در این روش، نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها، شکل می‌گیرد. نظریه مبنایی از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد، یعنی روند شکل‌گیری نظریه، حرکت از جزء به کل است. نظریه مبنایی بر سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها استوار است. در عین حال، مفاهیم، عناصر کلیدی تحلیل هستند، زیرا نظریه از مفهوم‌سازی داده‌ها و نه جمع داده‌های عینی حاصل می‌شود» (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰). روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه و استفاده از اسناد و مدارک از جمله گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی است. مصاحبه به صورت نیمه‌سازمانده‌ی شده با متخصصان دانشگاهی صاحب‌تألیف و متخصص در زمینه توسعه‌پایدار انجام شد. این متخصصان عمدتاً از رشته‌های مدیریت، محیط‌زیست، برنامه‌ریزی توسعه، جغرافیا و اقتصاد بودند. روش نمونه‌گیری، روش نظری بود که این روش مستلزم جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقوله‌ها برای تدوین قضیه‌ها می‌باشد و معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری، کفایت نظری مقوله یا نظریه است.

بررسی ادبیات علمی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران راهنمایی ایجاد نمود تا متخصصان این حوزه شناسایی شوند. پس از بررسی این ادبیات، ۱۵ نفر از متخصصان که حوزه فعالیت، مقاله‌ها و تألیف‌های آنها بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش حاضر داشت، شناسایی شدند. از این تعداد با پنج نفر به‌عنوان نمونه اولیه ارتباط برقرار شد و سؤال‌های مصاحبه برای آنها ارسال گردید. برای آشنایی مصاحبه‌شوندگان با سؤال‌ها و موضوع پژوهش، یک هفته قبل از انجام مصاحبه، توضیحاتی درباره پژوهش و سؤال‌های مصاحبه برای آنها ارسال گردید. پس از انجام هر مصاحبه، فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری مصاحبه‌ها و متون علمی انجام شد. فرآیند نمونه‌گیری و تجزیه و تحلیل تا رسیدن به حد کفایت نظری ادامه یافت. در نهایت تعداد ۱۰ مصاحبه انجام شد و در این فرآیند، تعدد منابع داده‌ها، مصاحبه با متخصصان توسعه‌پایدار که از رشته‌های مختلف و دارای دانش کافی در این زمینه بودند، استفاده از اسناد بین‌المللی و تجربه سایر کشورها درباره موضوع پژوهش، موجب دستیابی به کفایت نظری برای توضیح مفاهیم و مقوله‌های پژوهش حاضر شد. در نتیجه این امر باعث شد تا

کارآمدی و اثربخشی مقوله‌های مورد بررسی و بهینه‌کردن کیفیت داده‌ها تضمین شود. در فرآیند کدگذاری، داده‌ها و مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر تجزیه و تحلیل شدند. این کار مستلزم بررسی دقیق و جمله به جمله داده‌ها بود که ریزترین نوع تجزیه و تحلیل و در عین حال تولیدکننده بیشترین ایده‌های نو محسوب می‌شد. پس از بررسی کدهای اولیه، کدهای مشابه حذف یا ادغام گردید، سپس کدهایی را که دارای ارتباط مفهومی بودند، تحت عنوان «فامیلی کد» دسته‌بندی شدند. در این میان، کدهایی وجود داشت که به دلیل اهمیت و جامعیت آنها در قالب سوپر کد مشخص شدند. با توجه به اینکه سؤال‌های مصاحبه‌ها به صورت دو بخشی و معطوف به موانع و راه‌کارهای نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار تدوین شده بودند، سعی شد فامیلی کدهای موانع و راه‌کارها از یکدیگر تفکیک شوند. فرآیند کدگذاری و ایجاد فامیلی کدها به جایی رسید که چهار فامیلی کد برای موانع و چهار فامیلی کد برای راه‌کارها ایجاد شد. این تقسیم‌بندی در تسهیل کشف روابط و تنظیم یافته‌ها و نتیجه‌گیری بسیار موثر بود. در قسمت تجزیه و تحلیل یافته‌ها، فامیلی کدهای موانع و مدل نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران ارائه شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران

بررسی نهادها و قوانین مرتبط با توسعه‌پایدار، عملکرد ایران در این زمینه و مقایسه رتبه و امتیاز ایران در شاخص‌های جهانی توسعه‌پایدار، نشان‌دهنده این است که توسعه‌پایدار در ایران از جایگاه نهادی و قانونی مناسبی برخوردار نیست. اصول توسعه‌پایدار در برنامه‌های پنج ساله مورد غفلت قرار گرفته و در بودجه‌بندی کشور به توسعه‌پایدار توجه لازم صورت نگرفته است. ارزیابی راهبردی محیط‌زیستی در پروژه‌های صنعتی و عمرانی به طور جدی اجرا و پیگیری نمی‌شود و در مجموع پارادایم توسعه‌پایدار در نظام سیاست‌گذاری ایران نهاده‌نشده است. در این پژوهش، جایگاه ایران در هر شاخص با سه کشور برتر انتهایی رتبه‌بندی و کشورهای مالزی و ترکیه مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد که ایران به استثنای شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۱ که چهار پله بالاتر از ترکیه قرار دارد، در سایر شاخص‌ها از کشورهای هم‌تراز از جمله ترکیه و مالزی رتبه و عملکرد پایین‌تری دارد. از جمله رتبه ۹۷ در شاخص جامعه پایدار ۲۰۱۰، رتبه ۸۸ در شاخص توسعه انسانی، رتبه ۶۲ در شاخص رقابت‌پذیری ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و رتبه ۹۷ در شاخص رفاه ۲۰۱۱ و در چند شاخص از جمله شاخص فضای کسب و کار ۲۰۱۲ با رتبه ۱۴۴ در سال ۲۰۱۱ و شاخص عملکرد محیط‌زیستی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ با رتبه ۱۱۴ در بین کشورهای ضعیف قرار دارد. جداول زیر نمره و

رتبه ایران را در شاخص جامعه پایدار و شاخص عملکرد زیست‌محیطی در بین سایر کشورها نشان می‌دهد.

جدول ۱: رتبه ایران و برخی کشورها در شاخص جامعه پایدار

۲۰۱۰		۲۰۰۸		۲۰۰۶		کشورها
رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	
۱	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۵/۷	سوئیس
۲	۵/۷	۳	۵/۷	۳	۳/۷	سوئد
۳	۴/۷	۲	۵/۴	۲	۴/۷	اتریش
۵۱	۱۹/۶	۵۱	۲۰/۶	۳۹	۲۳/۶	مالزی
۶۹	۱/۶	۶۴	۱/۶	۶۰	۹/۵	ترکیه
۹۷	۷/۵	۱۰۳	۶/۵	۱۰۸	۳/۵	ایران
۱۴۹	۷/۴	۱۴۵	۷/۴	۱۳۳	۹/۴	گینه
۱۵۰	۶/۴	۱۴۹	۶/۴	۱۴۸	۵/۴	کنگو
۱۵۱	۵/۴	۱۵۱	۴/۴	۱۵۱	۴/۴	سودان

ماخذ: Sustainable Society Foundation, 2010

جدول ۲: امتیاز و رتبه ایران و چند کشور در شاخص عملکرد زیست‌محیطی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲

۲۰۱۲		کشورها	۲۰۱۰		کشورها
امتیاز	رتبه		امتیاز	رتبه	
۸۹	۱	ایسلند	۵/۹۳	۱	ایسلند
۴/۷۰	۲	لتونی	۱/۸۹	۲	سوئیس
۹/۶۹	۳	نروژ	۴/۸۶	۳	کاستاریکا
۵/۶۲	۲۵	مالزی	۶۵	۵۴	مالزی
۸/۴۴	۱۰۹	ترکیه	۴/۶۰	۷۷	ترکیه
۷/۴۲	۱۱۴	ایران	۶۰	۷۸	ایران
۲/۳۲	۱۳۰	ازبکستان	۳/۳۶	۱۳۰	آنگولا
۸/۳۱	۱۳۱	ترکمنستان	۳/۳۳	۱۳۱	آفریقای مرکزی
۳/۲۵	۱۳۲	عراق	۱/۳۳	۱۳۲	سیرالئون

ماخذ: Yale Center for Environmental Law and Policy Yale University, 2012

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از نظر مصاحبه‌شوندگان، عوامل مختلفی مانع از نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران شده است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها ابتدا با کدگذاری باز انجام شد که حدود شصت کد به‌دست آمد. فرآیند حذف و ادغام این کدها باعث شد که در نهایت ۳۳ کد ایجاد شود. تجزیه و تحلیل ارتباط کدهای فوق منجر به دسته‌بندی موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در چهار فامیلی کد تحت عنوان موانع شناختی، سیاستی، نهادی- قانونی و اجتماعی شد. در ادامه این قسمت، موانع چهارگانه نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در قالب چهار فامیلی کد تبیین خواهد شد.

موانع شناختی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران به چگونگی شناخت سیاست‌گذاران و مردم از مفهوم توسعه‌پایدار برمی‌گردد. به لحاظ شناختی موانعی مانند شناخت محدود از توسعه‌پایدار، روزمرگی، فقدان آینده‌نگری، برخورد شعاری و تبلیغاتی و نگاه بخشی باعث شده که نگاه یکپارچه به توسعه‌پایدار در ایران شکل نگیرد و شناخت محدود و تقلیل توسعه‌پایدار به حفاظت از محیط‌زیست و برخورد سیاسی با این مفهوم علمی، مانع از شکل‌گیری اجماع مفهومی درباره توسعه‌پایدار شده است. در نتیجه توسعه‌پایدار در فرآیند سیاست‌گذاری به‌عنوان اصل راهنما پذیرفته و به کار گرفته نشده است. از طرف دیگر شناخت محدود از توسعه‌پایدار در بین مردم باعث شده آنها اهمیت این ایده را درک نکنند. این امر باعث می‌شود که به موضوع پایداری حساسیت نداشته و در این زمینه مشارکت لازم را نداشته باشند. از طرف دیگر نگاه محدود و بخشی بر ساختار تشکیلاتی، قوانین و مقررات مرتبط با توسعه‌پایدار نیز تأثیر گذاشته و باعث شده که این تشکیلات و قوانین کشور محدود به حفاظت از محیط‌زیست باشند و ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه‌پایدار نادیده گرفته شود. مصاحبه‌شوندگان شناخت محدود و فقدان شناخت از توسعه‌پایدار را در بین مسئولان و سیاست‌گذاران ایران مورد تأکید قرار داده‌اند. بنا به نظر یکی از متخصصان «به لحاظ شناختی، توسعه‌پایدار در میان مردم، مدیران و مسئولان کشور به درستی شناخته شده نیست و به نوعی فقدان آگاهی در بین سیاست‌گذاران و جامعه حاکم است. روزمرگی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باعث شده که بلندمدت‌نگری به کنار زده شود و اتخاذ سیاست‌های بلندمدت مورد توجه قرار نگیرد. در بین مردم نیز شناخت چندانی از توسعه‌پایدار وجود ندارد، مصرف‌زدگی و فقدان آینده‌نگری در بین عموم مردم باعث می‌شود که آنها توجهی به مسایل محیط‌زیستی و توسعه‌پایدار نداشته باشند و این مسایل را جدی نگیرند. در نتیجه می‌توان گفت این

عدم شناخت یکی از موانع نهادینه‌شدن تفکر توسعه‌پایدار در ایران است.

موانع نهادی - قانونی

موانع نهادی - قانونی به موانعی اشاره دارد که در نهادها، تشکیلات سازمانی، قوانین و مقررات مرتبط با توسعه‌پایدار وجود دارد و از این طریق مانع ثبات و استمرار روندها و اقدامات مرتبط با توسعه‌پایدار در ایران شده است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در این زمینه قوانین و مقررات، عواملی مانند خلأ قانونی، ضعف ضمانت اجرای قوانین، عدم مجازات متخلفان، بخشی بودن و به روز نبودن قوانین، و بخشی‌نگری مانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار شده‌اند. در این زمینه در یکی از مصاحبه‌ها عنوان شد که «در قوانین و مقررات مرتبط با توسعه‌پایدار، همپوشانی و خلأ قانونی به صورت همزمان مشاهده می‌شود. همپوشانی یعنی اینکه در یک مورد یا موضوع چندین قانون وجود دارد که در مواردی با هم تعارض دارند و این مسئله مانع از سرعت انجام امور در آن موضوع می‌شود و در مواردی نیز خلأ قانونی وجود دارد، یعنی در یک زمینه خاص، قانون مشخص و مدونی وجود ندارد. از طرف دیگر فقدان ضمانت اجرایی در دستگاه‌های اجرایی در زمینه قوانین و مقررات وجود دارد، به عبارت دیگر قوانین از پشتوانه و استحکام اجرایی مناسبی برخوردار نیستند و این امر زمینه را برای قانون‌گریزی و دور زدن قوانین فراهم می‌کند. بخش عمده‌ای از موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران که در فامیلی کد «نهادی - قانونی» دسته‌بندی شده‌اند، معطوف به تشکیلات و نهادهای مرتبط با توسعه‌پایدار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این زمینه نیز مشکلاتی مانند تقلیل‌گرایی در ایجاد تشکیلات، ضعف نگاه کارشناسی و عدم انسجام تشکیلاتی وجود دارد. در یکی از مصاحبه‌ها عنوان شد که «به لحاظ تشکیلاتی، مشکلات متعددی در ایران وجود دارد. نوعی نگاه تقلیل‌گرا در این زمینه حاکم است. مدیریت توسعه‌پایدار به سازمان حفاظت از محیط‌زیست واگذار شده که واگذاری درست و مناسبی نیست و حفاظت از محیط‌زیست بخشی از توسعه‌پایدار است. از طرف دیگر نگاه به محیط‌زیست نباید مقطعی و حزبی باشد. کمیته ملی توسعه‌پایدار فعلی نیز قدرت لازم و توان کنترل منابع مالی سایر بخش‌ها را ندارد تا آنها را به محیط‌زیست و توسعه‌پایدار متعهد نماید.»

موانع سیاستی

بعضی از موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار، مربوط به فرآیند سیاست‌گذاری، شیوه برنامه‌ریزی، هماهنگی بین بخشی، ارتباط بین سطحی و نظام بودجه‌بندی است. این گونه

عوامل تحت عنوان فامیلی کد «سیاستی» نام‌گذاری شده است. در این زمینه عواملی مانند ضعف بودجه‌بندی، بودجه‌بندی سنتی، ابهام نظری برنامه‌های توسعه، برنامه‌ریزی کلاسیک و دستوری، عدم هماهنگی بین بخشی، ناآشنایی با روش‌های نوین سیاستی، عدم ارتباط سطوح ملی و محلی، فقدان برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از جمله موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران هستند.

یکی از موانع استمرار و ثبات سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران، بخشی‌نگری و عدم هماهنگی بین بخشی است. علت فقدان این هماهنگی، وجود نگاه بخشی و فقدان نگاه یکپارچه به توسعه است. در یکی از مصاحبه‌ها مطرح شد که «هماهنگی بین بخشی برای توسعه‌پایدار در ایران شکل نگرفته است». به نظر نویسنده علت اصلی فقدان این هماهنگی، نبود نگاه یکپارچه و کل‌نگر در خصوص توسعه‌پایدار است. مهم‌ترین ضعف نگرش بخشی به توسعه‌پایدار این است که مانع از اقدامات هماهنگ و همه‌جانبه می‌شود، زیرا در ساختار بخشی هر دستگاه سعی می‌کند کار خود را انجام دهد و به اقدامات سایر بخش‌ها توجه نمی‌کند. یکی دیگر از موانعی که در قالب موانع سیاستی دسته‌بندی شده است، عدم ارتباط مشخص و منسجم بین اقدام‌های ملی و محلی است. در همین زمینه در یک مصاحبه عنوان شد که «ارتباط سطوح مختلف سیاست‌گذاری (ملی و محلی) در ایران ضعیف است و اراده لازم برای برقراری این ارتباط وجود ندارد. این نیز ملهم از تفکر در سطوح ملی است، یعنی تفکر سطح ملی به خوبی اجازه برقراری و گسترش ارتباط و هماهنگی بین سطوح و بخش‌های مختلف را نمی‌دهد». در این زمینه دستور کار ۲۱ بر لزوم برقراری این ارتباط تاکید دارد. در فصل بیست و هشتم دستور کار ۲۱ آمده است: «از آنجایی که دستور کار ۲۱ مشکلات و راه‌حل‌های زیادی را عنوان می‌کند که ریشه در اقدامات محلی دارند، اکثر مسئولان محلی باید تا سال ۱۹۹۶ به ایجاد تفاهم عمومی در میان مردم پیرامون دستور کار ۲۱ محلی اقدام نمایند» (UN, 2002). در این راستا کشورهایی مانند سوئیس، ایرلند، فرانسه، چک و کره جنوبی، اقدام برای توسعه‌پایدار را در سطوح محلی همراه با سازوکارهای هماهنگی اجرای آن پیشنهاد کردند.

برنامه‌ریزی کلاسیک و دستوری و ابهام نظری برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز از مهم‌ترین موانعی است که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. عدم تدوین راهبرد ملی توسعه‌پایدار در کنار ضعف‌های نظام فعلی برنامه‌ریزی در ایران وضعیتی را ایجاد کرده که چشم‌انداز مبهمی را در زمینه توسعه‌پایدار پیش‌رو قرار می‌دهد. در یک مصاحبه عنوان شد که «برنامه‌های پنج ساله توسعه نمی‌توانند منجر به توسعه‌پایدار شوند، زیرا فاقد نگاه سیستمی و دارای مفاد و مواد پراکنده‌ای

هستند که انسجام منطقی بین آنها وجود ندارد. به عنوان نمونه در برنامه پنجم، توجه مناسبی به محیط‌زیست و ارتباط آن با سایر بخش‌ها نشده است». در مصاحبه دیگری مطرح شد که «نظام برنامه‌های پنج ساله، دارای مشکلات متعددی است که به خودی خود قادر به تحقق اهداف ناقص همین برنامه‌ها هم نیست. به جزء برنامه چهارم توسعه، سایر برنامه‌ها از منظر و پشتوانه نظری مشخصی برخوردار نیستند». برنامه‌ریزی توسعه در حالی در ایران به صورت کلاسیک و بالا به پایین در قالب برنامه پنج ساله طراحی می‌شود که اسناد بین‌المللی و تجربه سایر کشورها به دلیل ماهیت چند بعدی و بین بخشی حاکی از تغییر فرآیند برنامه‌ریزی و تأکید بر تدوین راهبرد ملی توسعه‌پایدار برای هماهنگی بین بخشی و سیاست‌گذاری یکپارچه برای توسعه‌پایدار است. ایران فاقد راهبرد ملی توسعه‌پایدار است. یکی از مهم‌ترین وظایف کمیته ملی توسعه‌پایدار، بررسی پیش‌نویس چارچوب راهبرد توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و آرایه پیشنهاد به شورای عالی حفاظت محیط‌زیست عنوان شده است که تا کنون این امر محقق نشده و ایران در نقشه نظارت بر این راهبردها در سایت بخش توسعه‌پایدار سازمان ملل به عنوان یکی از معدود کشورهای فاقد راهبرد ملی توسعه‌پایدار معرفی شده است.

موانع اجتماعی

بعضی از موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران ماهیت اجتماعی دارد. نبود اراده سیاسی، بی‌اعتمادی بین دولت و سازمان‌های غیردولتی، عدم اجماع درباره توسعه‌پایدار، فقدان انگیزه مشارکت در مردم و سازمان‌های غیردولتی و مشارکت محدود این گروه‌ها از مهمترین موانع نهادینه‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار هستند که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مشارکت محدود مردم و سازمان‌های غیردولتی در زمینه توسعه‌پایدار ناشی از شناخت محدود، ضعیف و عدم درک ضرورت‌های توجه به این پدیده است. این شناخت محدود و فقدان اراده سیاسی در بین سیاست‌گذاران باعث می‌شود، سازوکار لازم برای مشارکت غیردولتی‌ها ایجاد نشود، زیرا طبق مصاحبه‌ها در نگاه و رویکرد برنامه‌ریزی بالا به پایین و دستوری، نیازی به حضور و مشارکت غیردولتی‌ها احساس نمی‌شود. از این رو اختیارات لازم به سازمان‌های محلی داده نمی‌شود و در نتیجه مشارکت لازم نیز در زمینه توسعه‌پایدار حاصل نمی‌شود. از طرف دیگر فضای بی‌اعتماد بین دولت‌ها و غیردولتی‌ها مانع از ایجاد انگیزه لازم برای مشارکت در زمینه توسعه‌پایدار می‌شود. در یکی از مصاحبه‌ها عنوان شد که «در ایران به دلیل دولتی بودن فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مشارکت حداقلی در این فرآیند مشاهده می‌شود.

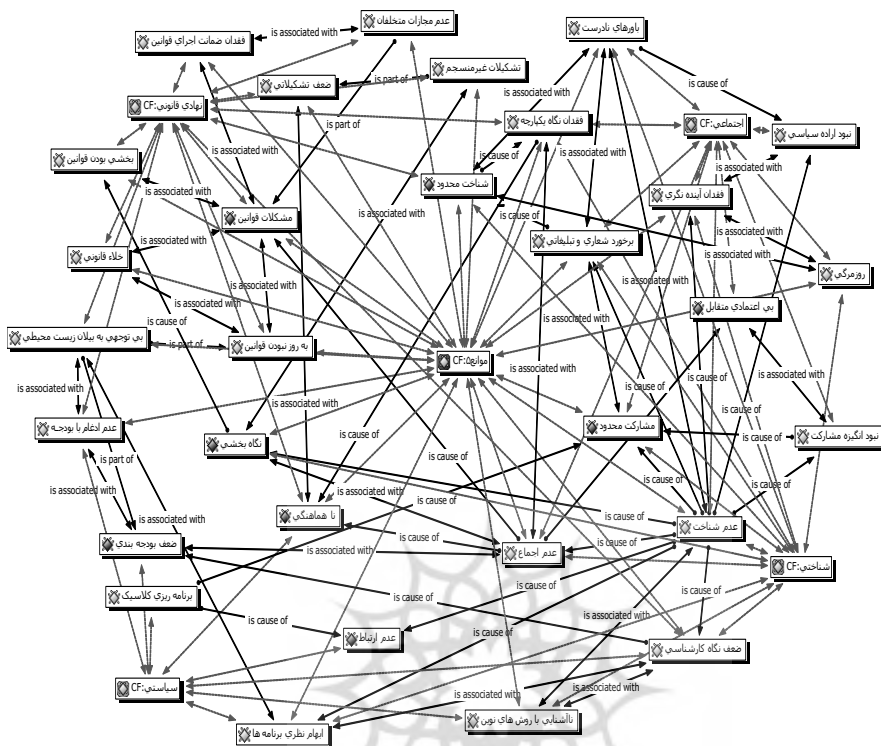
ساختار فعلی اجازه مشارکت حداکثری و آگاهانه این گروه‌ها را نمی‌دهد. فرآیند تدوین برنامه‌های توسعه به گونه‌ای است که اکثر اعضای این فرآیند دولتی هستند. بیشترین حضور سازمان‌های غیردولتی البته با احتساب نمایندگان مجلس در برنامه سوم و چهارم توسعه، به میزان ۱۳ درصد بوده است و در برنامه پنجم کمترین مشارکت دیده شده است. در مصاحبه دیگر آمده است «باید باور و انگیزه را در مردم ایجاد کرد و زمینه لازم را برای مشارکت مردم، بخش خصوصی و غیردولتی‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری برای توسعه‌پایدار ایجاد نمود. مثلاً در زمینه اکوتوریسم اگر منابع حاصل از آن به مردم همان منطقه برسد و مردم عواید آن را لمس کنند در زمینه حفاظت و توسعه‌پایدار همکاری خواهند کرد».

مقولات و مفاهیم استخراج شده در جدول زیر ذکر شده است. در ادامه ارتباط مقولات چهارگانه در قالب شبکه مفهومی و بر مبنای قضیه‌های مطرح شده، تبیین گردیده است.

جدول ۳: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده

مقوله‌ها	مفاهیم
شناختی	باورهای نادرست، عدم شناخت، شناخت محدود و بخشی، ضعف نگاه کارشناسی، روزمرگی، فقدان آینده‌نگری، فقدان نگاه یکپارچه
نهادی - قانونی	ضعف تشکیلات، عدم انسجام تشکیلاتی، به روز نبودن قوانین، خلاء قانونی، بخشی‌بودن قوانین، فقدان ضمانت اجرای قوانین، عدم مجازات متخلفان
سیاستی	عدم ادغام با بودجه، بی‌توجهی به بیلان زیست‌محیطی، ضعف بودجه‌بندی، برنامه‌ریزی کلاسیک، ابهام نظری برنامه‌های توسعه، عدم ارتباط سطوح ملی و محلی، عدم هماهنگی بین‌بخشی، ناآشنایی با روش‌های نوین
اجتماعی	مشارکت محدود، بی‌اعتمادی متقابل، فقدان انگیزه مشارکت، عدم اجماع، نبود اراده سیاسی، برخورد شعاری و تبلیغاتی

پس از تحلیل موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران در قالب چهار فامیلی کد (هر فامیلی کد معادل یک مقوله است)، فامیلی کدهای چهارگانه در قالب یک سوپر فامیلی ادغام شدند و شبکه مفهومی آن از نرم‌افزار اخذ گردید. شکل زیر شبکه مفهومی موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران را نشان می‌دهد.



شکل ۱: شبکه مفهومی موانع نهادینه‌شدن سیاست گذاری توسعه پایدار در ایران

در مجموع تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نهادینه‌شدن سیاست گذاری توسعه پایدار در ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی است که به صورت موانع چهارگانه (شناختی، نهادی-قانونی، سیاسی و اجتماعی) قابل طرح است. در این بین موانع شناختی تأثیر قابل توجهی در شکل‌گیری سایر موانع دارد. در نتیجه می‌توان گفت موانع نهادی-قانونی، سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر موانع شناختی شکل گرفته و در نهایت منجر به نهادینه‌شدن سیاست گذاری توسعه پایدار در ایران شده است. تأثیر موانع شناختی بر سایر موانع سیاست گذاری توسعه پایدار دیگر بسیار گسترده است، زیرا شناخت یک ایده و درک آن بر سایر ابعاد و مراحل سیاست گذاری در آن حوزه تأثیر می‌گذارد و سیاست گذاران متناسب با شناختی که از آن حوزه دارند، مسایل، مشکلات و راه‌حل‌ها را تعریف می‌کنند. در زمینه نهادینه‌شدن سیاست گذاری توسعه پایدار در ایران موانعی مانند شناخت محدود و عدم شناخت سیاست گذاران و مردم در زمینه توسعه پایدار، روزمرگی، فقدان آینده‌نگری، برخورد شعاری و تبلیغاتی، باورهای نادرست درباره توسعه پایدار و وارداتی دانست. این

امر از سوی بعضی از سیاست‌گذاران باعث شده که اجماع مفهومی و نگاه یکپارچه به توسعه‌پایدار شکل نگیرد، در نتیجه نهادها و قوانین مرتبط با توسعه‌پایدار به صورت بخشی ایجاد شده‌اند و از جامعیت و قدرت نهادی و قانونی لازم برخوردار نیستند. این وضعیت نهادی و قانونی، عدم هماهنگی بین بخشی در عرصه سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های توسعه‌پایدار را به دنبال دارد. از طرف دیگر عدم اجماع مفهومی درباره توسعه‌پایدار، برخورد سیاسی با این مفهوم علمی باعث شده تا سیاست‌های توسعه‌پایدار از ثبات و استمرار لازم برخوردار نباشند و در یک دوره مورد توجه قرار گیرند و در دوره‌ای به طور کامل کنار گذاشته شوند. در مجموع فرآیند سیاست‌گذاری به‌عنوان اصل راهنما پذیرفته و به کار گرفته نشده است.

پیشنهاد مدل نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار

با توجه به اینکه سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار یک تعهد چندبخشی و چندسطحی است، برای اطمینان از موفقیت آن باید هماهنگی مؤثری بین بخش‌های مختلف وجود داشته باشد. از این رو تعریف روشن نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به بخش‌ها و نهادهای مختلف و همچنین هماهنگی و اجرای یک نظام پاسخگو و مسئول برای سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار ضروری است. سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار باید همواره مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد، نه اینکه به‌عنوان یک تعهد و وظیفه مقطعی و یک‌باره در نظر گرفته شود. با توجه به تحلیل موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران، رفع این موانع مستلزم کاربست مدلی است که مبتنی بر این موانع با توجه به تجربه سایر کشورها و اسناد بین‌المللی در هر زمینه، انجام اقدام‌ها و تغییراتی را پیشنهاد نماید. راه‌کارهای پیشنهادی نیز در قالب چهار فامیلی کد به‌عنوان چهار بعد مدل پیشنهادی تحلیل شدند.

راه‌کارهای شناختی

نهاده‌شدن شناختی یکی از مهم‌ترین ارکان نهاده‌شدن است که به واسطه نمودار نیروهای شناختی (باورها، نگرش‌ها، ادراکات و...) صورت می‌گیرد. در نتیجه عوامل شناختی یکی از مهم‌ترین عوامل و نیروهای رسیدن به واقعیات اجتماعی و از آن طریق نهاده‌شدن هستند (Petty *et al.*, 2003). بیشتر مصاحبه‌شوندگان، ارایه آموزش‌های متناسب را برای ارایه شناختی درست درباره ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای یک زندگی پایدار ضروری دانستند. آنها تاکید داشتند که کشور نیازمند یک تعهد مشترک در زمینه آموزش برای توسعه‌پایدار است که قادر به ارایه ضرورت توجه به توسعه‌پایدار، توانمندسازی مردم و سیاست‌گذاران در این زمینه باشد. در این زمینه در یک مصاحبه عنوان شد که «راه‌کار افزایش شناخت در زمینه توسعه‌پایدار ارایه آموزش‌های مفید به مردم و مسئولین است. باید در دانشگاه‌ها

واحد درسی برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست اختصاص داده شود». در مصاحبه دیگری آمده است که «برای افزایش شناخت در زمینه توسعه پایدار در کشور دو نوع آموزش علمی و تخصصی و آموزش عمومی باید مورد تاکید قرار گیرد. از این طریق سطح فرهنگ عمومی افزایش یافته و مردم با این مفهوم به صورت مناسب تری آشنا می شوند و این آشنایی برای تحقق توسعه پایدار راه گشا و موثر خواهد بود». در یکی دیگر از مصاحبه ها آمده است «باید ناپایداری را در زندگی واقعی آنها مثل مسئله اعتیاد، فقر و نحوه تولید و مصرف مایحتاج آنها و ضرورت مصرف بهینه آموزش داد. این آموزش باید به سطح محلی و همسایگی گسترش یابد، آموزش باید با رویکرد انتقادی به صورت همگانی و در مقیاس محلی و به شکل غیررسمی باشد. در آموزش رسمی نیز باید مبانی و ضرورت های توسعه پایدار را به دانشجویان و دانش آموزان آموزش داد». در مجموع راه کارهای شناختی شامل دو سطح آموزش است: ۱- آموزش سیاست گذاران به صورت برگزاری دوره های آموزشی با همکاری مراکز علمی و دانشگاهی؛ ۲- آموزش عمومی و تخصصی به شکل تبلیغات، اطلاع رسانی عمومی و گنجاندن واحد درسی در برنامه آموزشی مدارس و دانشگاه ها.

راه کارهای نهادی - قانونی

اگر سازوکار نهادی و قانونی مربوط به سیاست های توسعه پایدار، نارسا و فاقد کارایی باشد، آن سیاست گذاری به خطا می رود. یکی از ملزومات نهادی توسعه پایدار، ایجاد نهادهای چند سطحی است که با تصمیم گیری در زمینه توسعه پایدار سازگار و متناسب باشند. هدف اصلی این گونه نهادها تأمین انسجام و یکپارچگی در نظام سیاست گذاری است. از این لحاظ نهادهای سازی سیاست گذاری توسعه پایدار در ایران مستلزم مجموعه ای از اصلاحات در ساختار نهادی و قوانین مرتبط با توسعه پایدار است. این پیشنهادها در قوای سه گانه و به صورت زیر تبیین می شوند.

مجلس شورای اسلامی

با توجه به ساختار کنونی مجلس شورای اسلامی و وظایف آن، پیشنهاد می شود کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و منابع طبیعی با هدف قانون گذاری و نظارت بر دستگاه های اجرایی در زمینه توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست تشکیل شود. در این زمینه در یک مصاحبه پیشنهاد شده که «با وارد کردن مسایل محیط زیست و انتزاع منابع طبیعی از کمیسیون کشاورزی، کمیسیونی با عنوان محیط زیست و منابع طبیعی تشکیل شود تا به طور مشخص سیاست ها و قوانین مرتبط با این حوزه را مورد بررسی و نظارت قرار دهد. با توجه به ارتباط نزدیک مسایل محیط زیستی با حوزه هایی مانند منابع طبیعی، جنگل ها، و آب و هوا، ضرورت تاسیس این کمیسیون برای نظارت بر اجرای قوانین و

عملکرد دستگاه‌های اجرایی در این زمینه دوچندان می‌شود. قابل ذکر است حوزه محیط‌زیست به دلیل نبود متولی مشخص در مجلس از حوزه‌هایی است که از نظر قانون‌گذاری و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی دارای مشکلاتی است». در مجالس قانون‌گذاری بیشتر کشورها، کمیسیون ویژه‌ای در زمینه مسایل محیط‌زیستی و توسعه‌پایدار با عناوین مختلف تشکیل شده که با توجه به جایگاه مجلس در هر کشور به بررسی و نظارت بر اقدامات سازمان‌های اجرایی در زمینه توسعه‌پایدار می‌پردازد. به‌عنوان مثال کمیسیون حفاظت از محیط‌زیست، طبیعت و امنیت هسته‌ای مجلس آلمان با هدف نظارت بر اقدامات دولت این کشور در حوزه محیط‌زیست و توسعه‌پایدار تشکیل شده است. در اساسنامه این کمیسیون آمده است که وظایف و حوزه عملکرد این کمیسیون صرفاً مسایل بوم‌شناختی نیست، بلکه اصول پایداری در همه ابعاد را شامل می‌شود. هماهنگی بین حفاظت از محیط‌زیست با نیازهای اقتصادی یکی از مهمترین مسایل مورد نظر مجلس آلمان محسوب می‌شود (Bundestag, 2012).

قوه مجریه

مشخص کردن مسئول اصلی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار و میزان قدرت و اختیارات آن یکی از عوامل مهم نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار محسوب می‌شود. «بسیاری از کشورها از جمله نروژ، آلمان، فنلاند، چک، اسلواکی، و پریتقال مسئولیت سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار را به بالاترین مسئول اجرایی خود واگذار کرده‌اند و از این طریق موفقیت‌های چشم‌گیری در شاخص‌های توسعه‌پایدار به‌دست آورده‌اند و کشورهای دیگر نیز با تخصیص مسئولیت به یک وزارتخانه مشخص به نوعی مسئول اصلی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار را مشخص کرده‌اند» (OECD, 2007). تشکیل یک سازمان فرا وزارتی با قدرت و اختیارات لازم برای سیاست‌گذاری و بودجه‌بندی که توان هماهنگ‌سازی سایر وزارتخانه‌ها را داشته باشد، پیشنهادی است که از سوی بیشتر متخصصان ارایه شده است. در این زمینه در یک مصاحبه عنوان شد «در زمینه توسعه‌پایدار، همه وزارتخانه‌ها باید درگیر باشند و مشارکت نمایند، از جمله وزارت نیرو، راه و شهرسازی، اقتصاد، علوم، و وزارت کار. در بعضی کشورها مثل استرالیا، سازمان مدیریت، وظیفه برنامه‌ریزی برای توسعه‌پایدار و آمایش سرزمین را بر عهده دارد. باید برنامه‌ریزی توسعه‌پایدار و سیاست‌های مربوط به آن بر مبنای طرح آمایش سرزمین و زیر نظر کمیته یا سازمان فرا وزارتی با حضور همه وزارتخانه‌ها انجام گیرد». در مصاحبه دیگری پیشنهاد شد که «به لحاظ تشکیلاتی بهتر است در دولت کمیته راهبردی توسعه‌پایدار یا عنوانی شبیه به این، زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور در کنار معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی که بودجه دستگاه‌ها را تعیین می‌کند، تشکیل شود تا سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌پایدار را در دولت، مدیریت و هماهنگ نماید».

قوه قضائیه

یافته‌های پژوهش و تجربه سایر کشورها مجموعه‌ای از پیشنهادها را در زمینه تقویت قوانین در ایران ارایه می‌کند. یکی از مهمترین این پیشنهادها، اصلاح و به روز رسانی قوانین، تعیین جرایم محیط‌زیستی و افزایش ضمانت اجرای قوانین است. در این زمینه در یکی از مصاحبه‌ها پیشنهاد شد که «ضمانت اجرایی قدرتمندی برای قوانین مرتبط با توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست در نظر گرفته شود و متخلفان مجازات شوند. باید قوانین حفاظت از محیط‌زیست و اصول توسعه پایدار در قوانین کشور، از جمله قانون اساسی منعکس شود و جرایم محیط‌زیستی گسترش یابد و تقویت شود. افزایش مجازات‌های اقدامات تخریبی محیط‌زیست می‌تواند مانع اقدامات تخریبی در این زمینه شود». در مصاحبه دیگری عنوان شد که «قوانین موجود باید تقویت شوند و بخش‌های نظارت و ارزیابی از جمله مجلس و سازمان بازرسی کل کشور، نظارت خود را تقویت کنند و مجازات سنگینی بر متخلفان این حوزه وضع و اعمال شود، این بهترین راه کار به لحاظ قانونی است».

راه کارهای سیاستی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، اسناد بین‌المللی و تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه پایدار مستلزم انجام تغییرات و اصلاحاتی در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه، تدوین راهبرد ملی توسعه پایدار، اصلاح شیوه بودجه‌بندی، ایجاد هماهنگی بین بخشی و ارتباط بین سطحی و استفاده از روش‌های نوین و مناسب برای سیاست‌گذاری توسعه پایدار است. با توجه به اینکه کدهای فوق به فرآیند و روش‌های سیاست‌گذاری مرتبط هستند، آنها تحت عنوان فامیلی کد «سیاستی» نام‌گذاری شدند. پیشنهادهای سیاستی فوق در چهار زمینه: (۱) ترسیم فرآیند سیاست‌گذاری؛ (۲) چگونگی سازماندهی و هماهنگی بین بخشی و بین سطحی؛ (۳) اصلاح برنامه و بودجه‌ریزی؛ و (۴) استفاده از روش‌ها و ابزارهای سیاستی تبیین می‌شوند.

فرآیند پیشنهادی برای سیاست‌گذاری توسعه پایدار

سیاست‌گذاری عمومی در چند مرحله مرتبط و مکمل یکدیگر صورت می‌گیرد. نظریه پردازان سیاست‌گذاری عمومی هر کدام به شیوه‌ای فرآیند سیاست‌گذاری عمومی را ترسیم کرده‌اند. «مدل مرحله‌ای چارلز جونز» و «نظریه سیستمی دیوید ایستون» در این زمینه قابل توجه هستند. مدل پیشنهادی پژوهش حاضر بر مبنای مدل مرحله‌ای، فرآیند سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران را ترسیم، بازیگران هر مرحله را مشخص و برای هر مرحله اقدام‌هایی را پیشنهاد می‌کند. مدل مرحله‌ای

به دلیل سادگی و هم به دلیل نگرش کل‌گرایانه آن انتخاب شده است. علاوه بر این سیاست‌گذاری در مدل مرحله‌ای عمدتاً در کشورهای در حال توسعه از اهمیت و فراگیری بیشتری برخوردار است.

جدول ۴: فرآیند پیشنهادی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران

مرحله سیاست‌گذاری	بازیگران اصلی	اقدام پیشنهادی
تنظیم دستور کار	<ul style="list-style-type: none"> - شورای ملی توسعه‌پایدار - کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق - کمیسیون توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و منابع طبیعی - سازمان فرا وزارتی 	<ul style="list-style-type: none"> - ورود مشکلات عمومی به دستور کار از طریق تعریف مشکلات مرتبط با اولویت‌ها، خطرات و فرصت‌های مرتبط با توسعه‌پایدار - استفاده از پیشنهادها سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی - توجه به دستور کار بین‌المللی در زمینه توسعه‌پایدار
تدوین سیاست	<ul style="list-style-type: none"> - شورای ملی توسعه‌پایدار - کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق - کمیسیون توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و منابع طبیعی - سازمان فرا وزارتی 	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین راهبرد ملی توسعه‌پایدار - توسعه گزینه‌های عملی که می‌تواند ریشه‌های اصلی مشکلات را شناسایی و اهداف مورد نظر را محقق نماید - اولویت‌بندی مشکلات و مسایل توسعه‌پایدار کشور با توجه به خطرات احتمالی و منابع کشور
تصمیم‌گیری	<ul style="list-style-type: none"> - شورای ملی توسعه‌پایدار - کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق - کمیسیون توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و منابع طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - تصویب راهبرد ملی توسعه‌پایدار - ابلاغ گزینه‌های که با اصول و شاخص‌های توسعه‌پایدار تطابق دارند و برای ذی‌نفعان پذیرفتنی هستند - ابلاغ گزینه‌هایی که از اولویت بیشتری برخوردارند
اجرا	<ul style="list-style-type: none"> - سازمان فرا وزارتی - سازمان محیط‌زیست - سایر وزارتخانه‌ها بر حسب وظیفه مشخص شده در چارچوب راهبرد ملی توسعه‌پایدار 	<ul style="list-style-type: none"> - اجرای سیاست‌های توسعه‌پایدار به صورت مشارکتی و با همکاری گروه‌های مختلف - بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان داخلی و بین‌المللی از جمله سازمان ملل - توجه به نیازهای مردم محلی و توجه به مقتضیات محل اجرای پروژه‌های توسعه‌پایدار
ارزیابی	<ul style="list-style-type: none"> - کمیسیون توسعه‌پایدار، محیط‌زیست و منابع طبیعی - کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق - شورای ملی توسعه‌پایدار - سازمان‌های نظارتی 	<ul style="list-style-type: none"> - ارزیابی سیاست‌ها و پروژه‌ها طبق شاخص‌های بین‌المللی توسعه‌پایدار برای ارتقای رتبه ایران در بین سایر کشورها - بازبینی اجرای سیاست‌های اتخاذ شده در برابر اهداف از پیش تعیین شده و معیارهای توسعه‌پایدار - انتشار گزارش‌های نظارتی با هدف اطلاع‌رسانی عمومی

هماهنگی بین بخشی و ارتباط بین سطحی در سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار

برای سازماندهی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران لازم است یک فیلتر یکپارچگی و هماهنگی در فرآیند سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. این کار موجب شکل‌گیری سیاست‌های یکپارچه و هماهنگ به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی می‌شود. با تمرکز به کل فرآیند سیاست‌گذاری، نقص میان تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی را برطرف می‌کند و در نهایت با تأکید بر سیاست‌گذاری مشارکتی و هماهنگی میان وزارتی، نه تنها موجب پایداری سیاست‌های یک بخش خاص می‌شود، بلکه باعث همگرایی میان بخش‌های مختلف نیز خواهد شد. در این زمینه در یک مصاحبه، پیشنهاد شد که «با تدوین ارتباطات بین بخشی و بین سطحی در قالب قوانین و تشکیلات دولت و ارائه استلزامات این روابط، می‌توان راه را برای نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار هموار کرد. برقراری این ارتباطات موجب تسهیل و تسریع فرآیند سیاست‌گذاری برای توسعه‌پایدار می‌شود». در مصاحبه دیگری آمده است: «برای تقویت فرآیند هماهنگی افقی و عمودی، فرآیند آموزشی و عملیاتی مورد نیاز است که برنامه‌ریزی توسعه‌پایدار را به سیاست‌گذاران آموزش دهد. آموزش برنامه و سیاست‌های با رویکرد هماهنگ، بهتر اجرایی می‌شوند و اعتماد متقابل بین بخش‌ها و همکاری فزآینده، هزینه‌های دستیابی به توسعه‌پایدار را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد».

توجه به ملاحظات محلی، تغییر رویکرد برنامه‌ریزی، از رویکرد دستوری و کلاسیک به رویکرد پایین به بالا و با مشارکت مردم محلی، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی از جمله راه‌کارهای پیشنهادی است که می‌تواند باعث تقویت ارتباط نهادها و سیاست‌های ملی و محلی در زمینه توسعه‌پایدار شود. در همین زمینه در یک مصاحبه آمده است: «چارچوب برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فعلی باید به سمتی رود که نیروهای محلی و منطقه‌ای بتوانند در فرآیند تدوین سیاست‌ها حضور داشته باشند و نظرات خود را بیان کنند. شوراهای شهر و روستا می‌توانند در این زمینه، نقش‌آفرین باشند».

اصلاح برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و تدوین راهبرد ملی توسعه‌پایدار

تحقق توسعه‌پایدار مستلزم نگاه بلندمدت و هماهنگی بین بخش‌های مختلف است. برنامه‌های پنج ساله توسعه با توجه به ساختار فعلی هماهنگی بین بخشی در ایران، نیازمند اصلاحات جدی است تا یکپارچگی سیاست‌های توسعه‌پایدار محقق شود. اصلاح نظام برنامه و بودجه بر مبنای

اصول توسعه‌پايدار و تدوين راهبرد ملی توسعه‌پايدار از جمله پيشنهادهایی است که توسط متخصصان مورد تاكيد قرار گرفته است و اسناد بين‌المللی به آن توجه دارند و در بعضی کشورها نیز به مرحله اجرا درآمده است. در یکی از مصاحبه‌ها پيشنهادهای که «اگر به جای برنامه‌ريزی جامع، سياست‌های توسعه را تعريف و از شرکت‌های خصوصی در اقتصاد و سازمان‌های غيردولتی در عرصه غيراقتصادی و غيرانتفاعی بهره‌مند شد، بهتر است؛ چرا که به اهداف توسعه با زحمت کمتری دست پیدا خواهد شد. از این رو کشور نیز نیازمند تغيير الگوی برنامه‌ريزی است، زیرا فراتر از اقتصاد به ابعاد ديگر توسعه نیز باید توجه شود، در نتیجه سياست‌های چند بعدی و چند وجهی مورد نیاز است».

لزوم اتخاذ راهبردهای ملی برای توسعه‌پايدار به‌عنوان بخشی از دستور کار ۲۱، مورد تاكيد قرار گرفته است. راهبرد توسعه‌پايدار به طور معمول به سندی اطلاق می‌شود که دارای سلسله مراتب، چشم‌انداز، اهداف، اهداف عملیاتی و نشانگر اولویت‌های سياستی و همچنین اقدامات اجرایی توسعه‌پايدار است (UNCSD, 1995). آمار سال ۲۰۰۹ سازمان ملل نشان می‌دهد که ۱۰۶ کشور راهبرد ملی توسعه‌پايدار را تدوين کرده‌اند (OECD, 2007). در این زمینه بنا به نظر مطرح شده در یکی از مصاحبه‌ها «برای برنامه‌ريزی توسعه‌پايدار باید از الگوهای مشترک جهانی و الگوی خاص کشورها استفاده کرد. الگوی مشترک جهانی که توسط سازمان‌های بين‌المللی از جمله سازمان ملل ارایه می‌شود برای اعضاء اجباری است، اما تکیه بر این الگوها بدون توجه به ویژگی‌های کشور نمی‌تواند مؤثر باشد. باید دید کشور در چه مرحله‌ای از توسعه است و متناسب با آن، فرآیند برنامه‌های راهبردی اصلاح گردد. در مجموع توسعه‌پايدار باید متناسب با ویژگی‌های بومی برنامه‌ريزی و مدیریت شود و سازوکارهای متناسب با آن شناسایی و به کار گرفته شوند. به نظر در این زمینه نیازمند برنامه راهبردی و ارتباطی مشارکت با رهیافت منطقه‌ای لازم می‌باشد».

ابزارها و روش‌های پيشنهادهی برای مراحل سياست‌گذاري توسعه‌پايدار

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر آشنایی سياست‌گذاران با روش‌های علمی و بهره‌گیری از نهادهای علمی و متخصصان به‌عنوان یکی از مهمترین راه‌کارهای پيشنهادهی برای نهاده‌سازي سياست‌گذاري توسعه‌پايدار تاكيد می‌کنند. بنا به نظر یکی از متخصصان «تفليق توسعه‌پايدار با بودجه کشور نیازمند نگاه بين بخشی و استفاده از نظرهای متخصصان رشته‌های مرتبط است. در این زمینه نیاز به کمیسیون‌های تخصصی و ارتباط با دانشگاهیان و مجامع بیرونی وجود دارد تا با بهره‌گیری از نظرات تخصصی زمینه توجه

به توسعه‌پایدار فراهم شود». بنا به نظر متخصصان مصاحبه شده، بهره‌گیری از نهادهای علمی و انجمن‌های تخصصی برای آموزش سیاست‌گذاران مورد تاکید قرار گرفته است. مصاحبه‌شوندگان استفاده روش‌هایی مانند ارزیابی راهبردی محیط‌زیستی، بودجه‌بندی سبز، حسابداری محیط‌زیستی، برنامه‌ریزی پایین به بالا، برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی، آمایش سرزمین را در سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار مورد توجه قرار داده‌اند.

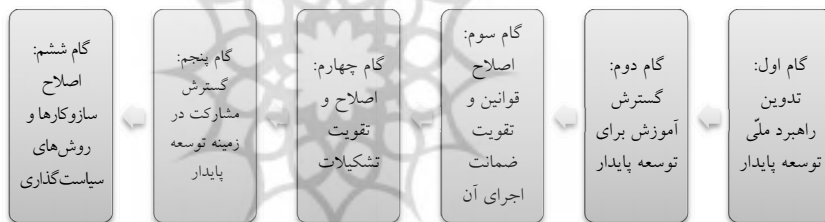
راه کارهای اجتماعی

در بعد اجتماعی مدل، راه کارهایی مانند زمینه‌سازی و گسترش مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی، اعتمادسازی، آموزش عمومی، ایجاد انگیزه و فضای مشارکت، بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی و واگذاری برخی از اختیارات به آنها پیشنهاد شده است. باید این راه کارها را در یک فرآیند ارتباط متقابل مورد توجه قرار داد. به‌عنوان مثال گسترش مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی به ایجاد انگیزه مشارکت، توجه به ملاحظات محلی و آموزش عمومی مرتبط است و از آنها تأثیر می‌پذیرید. پیشنهاد محوری در بعد اجتماعی مدل معطوف با افزایش مشارکت مردم، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی در زمینه توسعه‌پایدار است. با توجه به یافته‌های پژوهش استفاده از ظرفیت این گروه‌ها مستلزم اعتمادسازی، توجه به ملاحظات محلی، ایجاد انگیزه و فضای لازم برای مشارکت این گروه‌هاست. در فصل ۲۳ دستور کار ۲۱ آمده است که: «شرکت و تعهد کلیه گروه‌های اجتماعی، شرط لازم جهت اجرای مؤثر اهداف، سیاست‌ها و مکانیسم‌های مورد توافق در کلیه فعالیت‌های برنامه کار ۲۱ است» (UN, 2002).

در بسیاری از کشورها، شوراها و کمیسیون‌های ملی در زمینه توسعه‌پایدار تشکیل شده است که از یک طرف محلی برای بیان خواسته‌ها و نظرهای این گروه‌ها و از طرفی سازوکاری برای ارزیابی سیاست‌های توسعه‌پایدار را فراهم کرده و در مجموع نقش مهمی در زمینه ارتباط بین ذی‌نفعان توسعه‌پایدار را بر عهده دارند. کمیسیون توسعه‌پایدار فنلاند نمونه‌ای از این کمیسیون‌هاست. کمیسیون توسعه‌پایدار انگلستان نیز در سال ۲۰۰۰ و با هدف مشورت‌دهی و ارایه بازخورد انتقادی در زمینه توسعه‌پایدار به دولت انگلستان و حمایت از توسعه‌پایدار میان همه بخش‌ها و ایجاد اجماع درباره این اقدامات تأسیس شد (OECD, 2007). تشکیل شورای ملی توسعه‌پایدار در ایران با مشارکت مقامات دولتی، اتحادیه‌های تجاری، انجمن‌های علمی و دانشگاهی، مقامات محلی، نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی باعث می‌شود گروه‌های مختلف نظرها، اهداف و برنامه‌های خود را ارایه و اجرای سیاست‌های توسعه‌پایدار را مورد نظارت و ارزیابی قرار دهند. این شورا می‌تواند

یک انجمن مشورتی و نظارتی را برای تبادل نظر و بحث درباره سیاست‌های توسعه‌پایدار به وجود آورد.

در مجموع مدل چهار بعدی (شناختی، نهادی- قانونی، سیاسی و اجتماعی) نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران بر مبنای نظرهای متخصصان داخلی، اسناد بین‌المللی و تجربه سایر کشورها در زمینه توسعه‌پایدار و متناسب با موانع چهارگانه طراحی شد و مؤلفه‌های مختلفی مانند آموزش عمومی و تخصصی، آموزش سیاست‌گذاران، تقویت قوانین، اصلاح تشکیلات (تشکیل کمیسیون و سازمان فرا وزارتی)، ترسیم فرآیند سیاست‌گذاری، افزایش ضمانت اجرای قوانین، معرفی روش‌های نوین سیاست‌گذاری، گسترش تعامل بین بخشی و بین سطحی، تدوین راهبرد ملی توسعه‌پایدار، تشکیل شورای ملی توسعه‌پایدار، گسترش مشارکت و اعتمادسازی را دربر گرفت. نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار مستلزم اجرای همه پیشنهادها مطرح شده در این مدل به صورت گام‌به‌گام و در یک فرآیند زمانی مناسب است. شکل زیر گام‌های اجرای مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد.



شکل ۲: گام‌های اجرای مدل نهاده‌سازی سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران

همان‌طور که در مدل بالا نشان داده شد، پیاده‌سازی مدل پیشنهادی در یک فرآیند شش مرحله‌ای میسر است. با توجه به ارتباط متقابل اجزای مدل پیشنهادی، مراحل شش‌گانه ممکن است هم‌پوشانی داشته باشد که با درک شناخت ارتباط اجزاء و در سایه اجرای هماهنگ، می‌توان این مدل را به صورت مناسب اجرا کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت موانع شناسایی شده و مدل پیشنهادی این پژوهش، ویژگی‌ها و ابعاد مختلف سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران از ابعاد شناختی، ایده و افکار سیاست‌گذاران تا

سازوکارهای قانونی، از ساختار تشکیلاتی تا تدوین راهبرد و بودجه‌بندی، از هماهنگی بین بخشی و بین سطحی تا مشارکت مردم در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است. از طرف دیگر در مورد هر بعد و ویژگی مورد بررسی از منابع مختلف مانند مصاحبه با متخصصان، گزارش‌های رسمی داخلی و بین‌المللی و اسناد و کنوانسیون‌های جهانی استفاده کرده است. کثرت‌گرایی در داده‌ها، کثرت‌گرایی در روش‌شناسی و توجه به ابعاد مختلف سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار موجب شده که موانع شناسایی شده از کفایت لازم برای تبیین نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران برخوردار باشد و تحلیل جامعی در این زمینه ارائه نماید. از طرف دیگر مصاحبه با متخصصانی که بیشترین و نزدیک‌ترین تألیف‌ها را در زمینه توسعه‌پایدار دارند باعث می‌شود که کارآمدی و اثربخشی اشباع مقوله‌های مورد بررسی و بهینه کردن کیفیت داده‌ها تضمین شود. با توجه به اینکه این متخصصان مورد مصاحبه از رشته‌های مختلف هستند، به نظر می‌رسد داده‌های کافی برای جنبه‌های مختلف پدیده مورد بررسی گردآوری شده است. از این رهگذر در پژوهش حاضر با استفاده از نظریه مبنایی، با بررسی نظرهای متخصصان، به تحلیل موانع نهاده‌شدن سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار در ایران پرداخته شد و این نتیجه حاصل شد که رفع این موانع مستلزم کاربست مدلی است که راه‌کارهایی را متناسب با ویژگی‌های نظام سیاست‌گذاری ایران با استفاده از نظرهای متخصصان، تجربه سایر کشورها و اسناد بین‌المللی ارائه نماید.

محدودیت‌های پژوهش

در انجام پژوهش حاضر، محدودیت‌هایی وجود داشت. یکی از این محدودیت‌ها، کمبود منابع و ادبیات پژوهش به زبان فارسی به ویژه در زمینه سیاست‌گذاری توسعه‌پایدار و تجربه کشورهای دیگر در این زمینه بود که برای دسترسی به این منابع و ترجمه آنها، زمان زیادی هزینه شد. مشکل دیگر مربوط به انجام مصاحبه‌ها بود که امکان دسترسی به بعضی از متخصصان به آسانی میسر نشد. برای تنظیم وقت مصاحبه چندین بار از روش‌های مختلف تلفن و ایمیل برای برقراری ارتباط استفاده شد که در مواردی حدود یک ماه برای تنظیم وقت با یک متخصص زمان نیاز بود. در موارد دیگر زمان مصاحبه تنظیم‌شده با متخصصان تغییر می‌کرد و این امر فرآیند پژوهش را طولانی نمود.

الف) فارسی

- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل. (۱۳۹۰). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات صفار. صفحه ۱۳.
- زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۸۶). *توسعه پایدار*. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت. صفحه ۱۹.
- سلطانی تیرانی، فلورا. (۱۳۷۸). *نهادی کردن نوآوری در سازمان*. چاپ اول. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا. صفحه ۸۹.
- عبادی، محمد و مجنونیان، باریس. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر توسعه پایدار. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، سال پنجم، شماره ۱۹، صفحات ۲۸-۳۲.
- عباسپور، مجید. (۱۳۸۶). *انرژی، محیط‌زیست و توسعه پایدار*. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف. صفحه ۱۰۰۸.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۸). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. چاپ اول. تهران: نشر سمت. صفحه ۱۵۳.
- مدنی، سعید. (۱۳۸۴). *تعادل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی پیش‌شرط توسعه پایدار در ایران*. اولین همایش جایگاه رفاه اجتماعی در توسعه پایدار. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. صفحه ۱۳.

ب) انگلیسی

- Bartle, J. R., & Leuenberger, D. (2006). The idea of sustainable development in public administration. *Public Works Management and Policy*, 10(3), 191-194.
- Bundestag, G. (2012). *Committee on the environment, nature conservation and nuclear safety*. Accessed 24 May 2012. Retrieved from <http://www.bundestag.de/>
- Gatto, M. (1995). Sustainability: Is it a well defined concept. *Ecological Society of America*, 5(4), 1181-1183.
- Hicks, J. R. (1964). *Value and capital*. Oxford: Oxford University Press. p. 172.
- Hill, L. (1974). Institutionalization, the ombudsman and bureaucracy. *American Political Science Review*, 68(3), 1075-1085.
- Huntington, S. P. (1969). *Political order in changing societies*. New Haven, Yale University Press. p. 12.
- Jacobs, M. (1995). Sustainable development, capital substitution and economic humility: A response to Beckerma. *Environmental Values*, 4(1), 57-68.
- Lafferty, W. (1999). Introduction: The pursuit of sustainable development concepts,

- policies and arenas. *International Political Science Review*, 20(2), 123-128.
- OECD. (2007). *Institutionalizing sustainable development (OECD Sustainable Development Studies)*. OECD publication. p. 51. Retrived from <http://www.oecd.com/publications/>
- Petty, S., Wheeler, Ch., & Zakary L. T. (2003). *Persuasion and attitude change*. Handbook of Psychology. Vol. 5. Personality and social psychology, Hoboken. NJ: JOHN Wiley & Sons. p. 175.
- Scott, R. (2nd Eds.). (2001). *Institutions and organization*. Sage publication. p. 198.
- Sustainable Society Foundation. (2010). *Sustainable society index 2010*. Accessed 7 July 2011. Retrieved from <http://www.ssfindex.com/>
- UN. (2002). *Agenda 21 documents*. Retrieved from <http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/>
- UN. (2012). *The future we want, outcome of the conference RIO+20*. Rio de Janeiro, Brazil, 20-22 June 2012, Accessed 13 July 2012. Retrieved from <http://www.uncsd2012.org/>
- UNCSD. (1995). *Indicators of sustainable development: Guidelines and methodologies*. Commission on Sustainable Development at its Third Session in 1995. pp. 271-287.
- WCED. (1987). *Our common future*. Oxford: Oxford University Press. p. 8.
- WSSD. (2002). *Plan of implementation of the world summit on sustainable development*. pp. 162-167. Retrieved from http://www.un.org/esa/sustdev/documents/WSSD_POI_PD/English/POIchapter11.htm#H/
- Yale Center for Environmental Law and Policy Yale University. (2012). *Environmental performance index*. Accessed 3 February 2011. Retrived from <http://www.yale.edu/epi/>